

شش روز فعالیت شبانه‌روزی هلال احمری‌ها برای کمک به مردم گرفتار در برف

صفحه ۱۰

نبرد برفی ۲ هزار و ۸۰۰ امدادگر



گزارش «شهروند» از خدمات حمایتی بیمارستان محک
به مناسبت روز جهانی سرطان کودکان

در جست‌وجوی
مرهم و آرامش

صفحه ۹

شهروند

۲ صفحه
**جایگاه قالبیاف
در میدان رقابت اصولگرایان**

۱۳ صفحه
**احکام اجتماعی
به مجازات فوتبالی اضافه شد**

۱۱ صفحه
**افزایش تاب‌آوری جامعه
با ارتقای توانمندی زنان**

۶ صفحه
**کمتر کسی قبل از مرگ، اسماعیل
شیشه‌گران را می‌شناخت**

مرگ در گمنامی

۷ صفحه
**گزارش «شهروند» از پیامدهای
حاشیه‌نشینی در مشهد**

**کوچه‌هایی که
به آخر شاهنامه می‌رسند**

یادداشت

آموزش قرن ۲۱، گرفتار سنت‌های قرن بیستمی

آنچه «مانع» یا مسأله «غیرقابل» حل محسوب می‌شود، می‌تواند به نداشتن مهارت‌هایی از جمله تفکر انتقادی و حل مسأله مربوط باشد و آنچه «قابلیت» یا «مهارت» می‌نامیم بر مفاهیم بسیاری دلالت دارد. مدرسه بخشی از وظیفه آموزش این مهارت‌ها را به عهده دارد. اما اینکه چطور این مهارت‌ها را به لایه‌های سطوح کتاب‌های درسی گنجانده شود مسأله‌ای است که سیستم‌های آموزشی را به خود مشغول کرده‌است. سیستم‌های آموزشی بسیاری در سراسر جهان دانش و شخصیت دانش‌آموزان را به عنوان دو دغدغه اصلی خود در نظر می‌گیرند. براین اساس، ارزش قابلیت‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان از برنامه‌های درسی کم اهمیت‌تر نیست. قابلیت‌های کاربردی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت و برقراری ارتباط در همه سیستم‌های آموزشی ارزش محسوب می‌شود. معمولاً توانایی‌های دیگری همچون سواد دیجیتال، عادت‌های ذهنی، توانایی حل مسأله و انطباق‌پذیری هم در این حوزه قرار می‌گیرد. در قرن بیستم سیستم‌های آموزش جهانی توسعه یافت که سعی می‌کرد بر اساس تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین تحولات فناوری، بهترین ساختار دانش و مهارت را مورد بازنگری قرار دهد. مدارس در مقابل این پرسش قرار داشتند که چه چیزی را در درس بدهند؛ باید علوم آکادمیک را تدریس کنند یا به مهارت‌های عملی و اهداف وسیع‌تری بپردازند.



مریم پاپویی
... دکتری علوم
ارتباطات اجتماعی

ادامه در صفحه ۸

انالله و انا الیه راجعون

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی

مدیرمسئول محترم روزنامه اطلاعات

مصیبت درگذشت برادر ارجمندتان را تسلیت عرض کرده، برای آن مرحوم، رحمت و مغفرت و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی از خداوند بزرگ خواستاریم.

روزنامه شهروند

یادداشت

همه‌پرسی؛ پایه جمهوریت

همه‌پرسی آشکار است. در اصل ۵۹ نیز به قانون‌گذاری مستقیم از سوی مردم اشاره شده است: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

مطابق قانون اساسی فرمان انجام آن به عهده مقام معظم رهبری و اجرای آن نیز به عهده رئیس جمهوری است. بنابراین از حیث مراجعه به همه‌پرسی است. پس از انقلاب فقط سه بار همه‌پرسی شده است. اولین بار در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ درباره اصل نظام و دومین و سومین بار نیز درباره تأیید قانون اساسی و اصلاحیه آن بود که در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ انجام شد. در این سه مورد لزوماً باید همه‌پرسی می‌شد ولی انتظار می‌رفت که همه‌پرسی به عنوان یک شیوه مهم بازناب دهنده خواست ملت از جمله در قانون‌گذاری در طول دوران پس از انقلاب مغفول نماند. برای نمونه اصل ۴۴ قانون اساسی به گونه‌ای است که بخش مهمی از اقتصاد را دولتی تعریف می‌کرد ولی هنگامی که جامعه و حکومت به این نتیجه رسیدند که این اصل باید تعدیل و اصلاح شود، به جای تغییر آن قانونی را تصویب کردند که در عمل مغایر با این اصل بود؛ در حالی که منطق حکم می‌کرد که اصلاح آن اصل را به فرزند و پدوم بگذارند که متأسفانه این کار را نکردند.

از نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی مفهوم و کاربرد همه‌پرسی کاملاً روشن بود. اصل ششم چنین مقرر می‌دارد که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکال آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» این اصل هیچ قیدی ندارد و اتکال اداره امور کشور بر

معاونت حقوقی ریاست جمهوری خبری اعلام کرده که همه منتظر آن بودند. او گفت: «پیش‌نویس لایحه برگزاری همه‌پرسی درباره صلاحیت داوطلبان انتخاباتی در معاونت حقوقی آماده شده و به زودی تحویل هیأت وزیران می‌شود. این لایحه نهایتاً چارچوب نظارت استصوابی را مشخص می‌کند. براساس روندی که لواحق در دولت و مجلس طی می‌کنند منطقاً رسیدگی به این موضوع در روزهای پایانی مجلس دهم انجام خواهد شد.»

چنین لایحه‌ای از دو جهت اهمیت دارد: نخست از حیث مراجعه به همه‌پرسی است. پس از انقلاب فقط سه بار همه‌پرسی شده است. اولین بار در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ درباره اصل نظام و دومین و سومین بار نیز درباره تأیید قانون اساسی و اصلاحیه آن بود که در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ انجام شد. در این سه مورد لزوماً باید همه‌پرسی می‌شد ولی انتظار می‌رفت که همه‌پرسی به عنوان یک شیوه مهم بازناب دهنده خواست ملت از جمله در قانون‌گذاری در طول دوران پس از انقلاب مغفول نماند. برای نمونه اصل ۴۴ قانون اساسی به گونه‌ای است که بخش مهمی از اقتصاد را دولتی تعریف می‌کرد ولی هنگامی که جامعه و حکومت به این نتیجه رسیدند که این اصل باید تعدیل و اصلاح شود، به جای تغییر آن قانونی را تصویب کردند که در عمل مغایر با این اصل بود؛ در حالی که منطق حکم می‌کرد که اصلاح آن اصل را به فرزند و پدوم بگذارند که متأسفانه این کار را نکردند.

از نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی مفهوم و کاربرد همه‌پرسی کاملاً روشن بود. اصل ششم چنین مقرر می‌دارد که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکال آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» این اصل هیچ قیدی ندارد و اتکال اداره امور کشور بر